

سم‌پاشی آزادی بیان نیست!

آزادی بیان و عقیده از منظر علامه مصباح یزدی قدس سره

ابوالقاسم جعفری

مفهوم آزادی در شرایط گوناگون همواره دستخوش تحریف‌ها و سو استفاده‌های فراوانی بوده است، لذا باید برای فهم حقیقت این مفهوم و ابعاد مختلف آن، به کلام شخصیتی مراجعه کنیم که یکی از بزرگترین شخصیت‌های اسلام شناس روشنفکر عصر حاضر ماست. علامه مصباح یزدی در دورانی که با شعار آزادی لیبرال‌های داخلی اندیشه‌های غربی را فریاد می‌زدند در خط مقدم مواجهه و مبارزه فکری با آن‌ها قرار داشت لذا تصویر درستی از آزادی مد نظر لیبرالیسم و ترسیم دقیقی از آزادی مد نظر اسلام دارد و ما در این نوشته سعی در بیان نگاه این عالم برجسته در حوزه آزادی بیان و عقیده داریم.

آزادی، مقدس اما محدود

آزادی از حقوق طبیعی فطری همه انسان‌هاست و همچنین از امور ارزشی و مقدس به حساب می‌آید اما همانطور که در مورد اهمیت آن اختلاف نظری وجود ندارد در مطلق نبودن آن هم اختلافی نیست در واقع همه می‌دانند که آزادی مطلق و بدون حد و مرز معنا و امکان ندارد و آزادی عمل و بیان و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی به هرحال محدودی دارند چراکه آزادی مطلق موجب هرج و مرج و فساد در جامعه می‌شود.

در بیان علامه مصباح یزدی ملاک این محدودیت در اسلام مصالح واقعی جامعه دانسته

مقدمه

آزادی همواره به عنوان یک ارزش والای انسانی در جوامع مختلف جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده تا جایی که یکی از مهمترین مکاتب غربی در عصر حاضر با عنوان لیبرالیسم به معنای آزادی‌خواهی، شکل گرفت. اسلام نیز آزادی را به عنوان لازمه حرکت به سمت کمال معرفی کرده و آن را از مهم‌ترین ارزش‌های فردی و اجتماعی انسان می‌داند لذا حکومت اسلامی را موظف به ایجاد و حفظ آزادی کرده است. در میان انواع آزادی‌های فردی و اجتماعی، یکی از بحث‌برانگیزترین نوع آزادی در چند دهه اخیر آزادی بیان و عقیده بوده که می‌توان گسترش ابزارهای بیان همچون شبکه‌های اجتماعی را اصلی‌ترین عامل پرنرگ‌تر شدن این موضوع دانست.

شده اعم از مصالح مادی و یا معنوی، لذا قوانین اسلام که مصالح واقعی را مد نظر دارد محدودیت آزادی را مشخص می‌کند و هر کاری خلاف قوانین اسلام باشد هرگز آزاد نیست. اما غرب محدود آزادی هر فرد را تجاوز به آزادی فرد دیگر می‌داند یعنی هر کس می‌تواند هر عملی انجام بدهد منتها مشروط به اینکه مزاحم آزادی دیگران نشود.

آزادی بیان بدون محدودیت

ادعایی که در مورد آزادی عقیده و به دنبال آن آزادی بیان مطرح می‌شود با اقسام آزادی‌های دیگر متفاوت است. برخی این آزادی را مافوق قانون دانسته و مدعی اند که هیچ قانونی حق محدود کردن آن را ندارد. فیلسوف بزرگ علامه مصباح یزدی در تشریح این ادعا می‌گوید: «هر انسانی در هر شرایطی، در هر نظام اجتماعی، در هر نظام ارزشی و تابع هر دینی که باشد آزاد است هر عقیده و اندیشه و فکری را برگزیند. به دنبال آن نیز آزاد است که این اندیشه و عقیده خود را بیان کند، تبلیغ نماید و درباره آن با دیگران به بحث و گفتگو بپردازد. هم‌چنین حق دارد آن را به رشته تحریر درآورد و در جامعه منتشر نماید.»

غربی‌ها مدعی‌اند حکومت‌ها برای اینکه دموکراتیک باشند باید هر کس آزاد باشد هر طور که می‌خواهد بیندیشد، هر چه که می‌خواهد بگوید و هر چه که مایل است، بنویسد. لیبرال‌های داخل کشورمان نیز همواره نظام اسلامی را در این مسئله مورد اتهام قرار می‌دهند.

آزادی بیان به سبک غربی

واقعیت این است که لیبرال‌ها چه در غرب و چه در داخل کشور عزیزمان ایران، همواره خود اولین نقض‌کنندگان آزادی بیان ادعایی خود هستند و شعار زیبای آزادی را به عنوان ابزاری برای اعمال فشار هر چه بیشتر بر کشورهای دیگر خصوصاً ایران اسلامی قرار می‌دهند. اگر موافق، همراه و در جهت منافع و مطامع آن‌ها باشیم آزادی بیان را رعایت کرده و اگر حرف و یا عملی در خلاف جهت منافع و اندیشه‌های استکباری آن‌ها از ما صادر شود ناقض حقوق بشر و آزادی بیان شناخته می‌شویم. چند نمونه از مصادیق این خوی استکباری را دانشمند بزرگ مرحوم علامه مصباح یزدی بیان می‌کند: «من

خودم شخصاً اطلاع موثق دارم که چندی پیش نماینده مقام معظم رهبری در لندن خبری را به روزنامه‌ها داده بود که منتشر کنند. علی‌رغم این که ایشان حاضر بود هزینه لازم را هم پرداخت کند هیچ روزنامه‌ای حاضر نشد که آن را چاپ کند. دلیل آن هم این بود که خبر مربوط به سخنی از مقام معظم رهبری بود که با سیاست دولت انگلستان توافق نداشت. بالاخره با هزار زحمت و چندین واسطه و توصیه، یک روزنامه حاضر شد آن خبر را چاپ کند. پس از انتشار آن مطلب فوراً آن روزنامه را تحت تعقیب قرار دادند. این در حالی است که مرتباً برای ما تبلیغ می‌کنند که انگلستان یکی از آزادترین کشورها در زمینه آزادی مطبوعات است. نمونه دیگر مربوط به آقای «روژه گارودی» محقق و متفکر مشهور فرانسوی و معاصر است. ایشان از مفاخر کشور فرانسه در این عصر به شمار می‌رود. ایشان هم فیلسوف است و هم مورخ، و کتاب‌های زیادی به رشته تحریر درآورده است که بسیاری از آنها به زبان‌های مختلف ترجمه شده است. چندی پیش ایشان کتابی نوشت و در آن با شواهد و مدارک تاریخی اثبات کرده بود که کشتار میلیون‌ها یهودی در جنگ دوم جهانی، در آلمان و برخی کشورهای دیگر دروغی بیش نیست. طبیعت قضیه این بود که اگر مناقشه‌ای در این ادعای آقای گارودی وجود دارد فرد یا افراد دیگری هم در مقابل، مدارک و شواهدی دال بر نادرست بودن آن ارایه دهند. اما برخوردی که در فرانسه، مهد آزادی، با آقای گارودی کردند این بود که کتابش را ممنوع کردند و خودش را هم به دادگاه کشاندند و محاکمه کردند و به پرداخت جریمه مالی سنگین محکوم نمودند. عجیب‌تر این که یک ناشر آلمانی را که این کتاب را به زبان آلمانی ترجمه و منتشر کرده بود مجبور کردند اصلاً بنگاه انتشاراتش را بفروشد و بعد هم آن بنگاه انتشاراتی به کلی از بین رفت و از جغرافیای انتشاراتی آلمان حذف گردید؛ گویی که اصلاً نبوده و وجود خارجی نداشته است! جرمی که به پروفیسور گارودی نسبت دادند این بود که گفتند به یهودی‌های دنیا اهانت کرده است. این در حالی است که انتشار کتابی نظیر «آیات شیطانی» نه تنها ممنوع نیست بلکه جایزه هم دریافت می‌کند و به ده‌ها زبان نیز ترجمه می‌شود. دولت انگلستان هم روزی هزاران پوند برای محافظت



برخوردی که در فرانسه، مهد آزادی، با آقای گارودی کردند این بود که کتابش را ممنوع کردند و خودش را هم به دادگاه کشاندند و محاکمه کردند و به پرداخت جریمه مالی سنگین محکوم نمودند. عجیب‌تر این که يك ناشر آلمانی را که این کتاب را به زبان آلمانی ترجمه و منتشر کرده بود مجبور کردند اصلاً بنگاه انتشاراتش را بفروشد و بعد هم آن بنگاه انتشاراتی به کلی از بین رفت و از جغرافیای انتشاراتی آلمان حذف گردید؛ گویی که اصلاً نبوده و وجود خارجی نداشته است!

نویسنده آن هزینه می‌کند. برای ایران و برخی کشورهای اسلامی دیگر هم شرط بهبود رابطه با انگلستان را لغو فتوای مجازات سلمان رشدی قرار می‌دهند.»

شواهد زیادی از این برخورد دوگانه در رفتار لیبرال‌های داخلی نیز می‌توان یافت مثلاً در ماجرای برجام دیدیم که همین مدعیان آزادی بیان هر گونه نقد به برجام را ممنوع دانسته و در رسانه ناقدین این قرارداد بین‌المللی را مورد توهین و تمسخر قرار می‌دادند.

این آزادی بیان به سبک غربی است که در شعار زیبا و جذاب است اما در واقعیت زمانی که با منافع و مطامع آن‌ها کوچک‌ترین تعارضی پیدا کند با بدترین ادبیات و شدیدترین برخورد‌ها نقض می‌شود. البته از آن جایی که رسانه‌ها و عملیات‌های روانی عموماً در تصرف اندیشه غربی است مردم معمولی از پی بردن به این تناقضات محروم می‌مانند.

ملاک محدودیت آزادی در اسلام

در اسلام تفاوتی میان اقسام آزادی وجود ندارد بلکه همانطور که بیان شد ملاک محدودیت آزادی مصالح جامعه است مثالی که علامه مصباح در توضیح این مطلب ارائه می‌کنند مثال یک تولیدکننده مواد غذایی یا مواد دارویی آزاد است که هر ماده غذایی یا دارویی را تولید کند مگر آن که برای سلامت انسان ضرر داشته باشد. ایشان در بیان ویژگی اسلام در توجه به مصالح جامع می‌فرماید: «وقتی تشخیص داده شود یک دارو غیر بهداشتی و مضر است فوراً خرید و فروش آن را ممنوع اعلام می‌کنند و سازنده آن را تحت تعقیب قرار می‌دهند و هیچ کس هم نمی‌گوید این خلاف حقوق بشر است و انسان‌ها آزادند هر چه می‌خواهند تولید کنند. تولید آزاد است مادامی که به دیگران ضرر نزنند. آنچه در دنیا وجود دارد و به آن توجه دارند معمولاً همین ضررهایی است که به جسم و بدن انسان وارد می‌شود؛ اما اسلام علاوه بر ضرر جسمانی، آسیب روحی و معنوی را نیز مد نظر قرار می‌دهد و آزادی را تا جایی می‌داند که برای جسم یا روح انسان ضرر نداشته باشد. مردم دنیا معمولاً محدود کردن آزادی را فقط در آنجا که برای بعد مادی و حیوانی انسان مضر است بدون اشکال می‌دانند و به مواردی که به انسانیت انسان و بعد روحی و معنوی او آسیب می‌رساند کمتر توجه دارند. در عصر کنونی که تقریباً می‌شود گفت اصلاً توجهی ندارند. مشروبات الکلی که عقل انسان را زایل می‌کند، به کبد و قلب انسان آسیب می‌رساند و ضررهای متعدد دارد ممنوعیتی ندارد؛ چون مردم آن را دوست دارند. می‌گویند، چون از حقوق اولیه هر انسان، آزادی در انتخاب شغل است اگر کسی خواست مشروب‌فروشی باز کند نمی‌توان و نباید مانع او شد. اگر مانع چنین کسب و کاری شویم خلاف حقوق بشر رفتار کرده‌ایم. در مورد حجاب هم می‌گویند باید آزاد باشد، هر کس خواست حجاب داشته باشد و هر کس هم نخواست می‌تواند بدون حجاب باشد.

آزادی در انتخاب لباس و پوشش، حق ابتدایی هر انسانی است، نمی‌توان کسی را مجبور کرد که حجاب داشته باشد. این کار برخلاف حقوق بشر است.»

رابطه آزادی عقیده و آزادی

«آزادی اندیشه» و «آزادی عقیده» هم یک مبحث پرتکرار بر زبان مدعیان آزادی است. اصولاً اندیشه انسان یک امر درونی است و مرتبط با فکر و دل انسان است نه عمل او لذا صحبت از آزادی در این مورد جایگاهی ندارد به تعبیر مفسر قرآن کریم علامه مصباح ذیل آیه «لا اکراه فی الدین»: «دین چون یک امر قلبی و نفسانی است اصولاً اجبار و اکراه‌بردار نیست. اعتقاد اکراه بر نمی‌دارد و عقیده را به زور نه می‌توان ایجاد کرد و نه می‌توان تغییر داد. عقیده قانون‌بردار نیست که بخواهیم با قانون آن را بیاوریم یا با قانون آن را از صفحه فکر و دل انسان‌ها بزدااییم. عقیده تابع دلیل است. مادامی که دلیل آن باقی است عقیده نیز پابرجا است. اگر دلیل آن خدشه‌دار شد عقیده هم سست می‌شود. اگر دلیل باطل شد عقیده هم از بین می‌رود.»

بلی، اگر عقیده و اندیشه بخواهد بر زبان بیاید یا در روزنامه و مجله و کتاب نگاشته شود این دیگر آزادی عقیده نیست بلکه وارد حوزه آزادی بیان می‌شود لذا اگر این عقیده، عقیده باطلی باشد و موجب انحراف فکری افراد و تضعیف مصالح انسانی آنها گردد، قانون‌گذار می‌تواند جلوی ترویج آن را بگیرد؛ عقیده فاسد مانند ماده غذایی فاسدی که قانون‌گذار می‌تواند جلوی تبلیغ، توزیع و خرید و فروش آن را بگیرد و منافاتی هم با آزادی ندارد.

حکومت اسلامی، پاسدار آزادی

اسلام مصالح واقعی جامعه را بیان می‌کند تا آزادی مادی و معنوی انسان‌ها به خطر نیفتد؛ اصولاً تکلیف اصلی حکومت رعایت مصالح جامعه است خصوصاً حکومت اسلامی که خود را موظف به پیاده کردن دستورات اسلامی می‌داند باید این آزادی را پاسداری کند؛ فقیه مجاهد مرحوم علامه مصباح در این باره می‌فرماید: «از منظر دولت و سیاست غربی آن جا که مسأله‌ای با مصالح معنوی انسان‌ها سر و کار داشته باشد اهمیتی ندارد؛ چون اصلاً آنان چیزی به نام مصالح معنوی نمی‌شناسند. آنان اعتقادی به آخرت و روح مجرد و حیات ابدی ندارند و زندگی انسان را در همین دنیا و لذت‌های مادی خلاصه می‌بینند. کسی که چنین دیدگاهی دارد طبیعی است که برای گمراه شدن مردم و تباه شدن دین و ایمان آنها دل نمی‌سوزاند. اما کسانی که انسانیت انسان را به روح او می‌دانند و بدن را فقط مرکب و ابزاری برای تکامل روح می‌بینند حیات حقیقی انسان را حیات ابدی و آخرتی او می‌دانند. زندگی دنیا از نظر اینان چیزی جز یک منزل موقتی و مقدماتی برای آخرت نیست. به همین دلیل دغدغه‌ای که اینان نسبت به مصالح



می‌توان به آنها نیز سرایت داد. بنابراین مثلاً اگر اسلام گفته، تهمت زدن یا ریختن آبروی دیگران یا بیان اسرار زندگی شخصی و خصوصی افراد از طریق زبان و گفتار جایز نیست و در مواردی قابل منع و تعقیب است و مجازات حقوقی دارد، انجام این اعمال از طریق فیلم، روزنامه، کتاب و کاریکاتور نیز همین حکم را دارد و فرقی نمی‌کند. چه تفاوتی می‌کند که کسی با زبان به دیگران تهمت بزند و آبروی آنها را بریزد یا با نوشتن در کتاب و روزنامه این کار را انجام دهد؟ برخی فکر می‌کنند کاغذ روزنامه قداست دارد، که با زبان نمی‌شود بی‌دلیل نسبت ناروایی به کسی داد اما بدون سند و مدرک و فقط بر اساس این که «گفته می‌شود» یا «شنیده شده» می‌توان یک صفحه کامل روزنامه را پر از تهمت‌های ناروا بر علیه یک فرد کرد!

احکام بیان

این طور تصور نشود که حرف اسلام در مورد بیان ابتدائاً منع و محدودیت است بلکه به تعبیر این عالم بزرگ: «بسیاری از بیان‌ها (چه گفتاری و چه رسانه‌ای) از دیدگاه اسلام «جایز» شمرده می‌شوند و منعی ندارند. بسیاری از بیان‌ها نیز نه تنها جایز بلکه «واجب» هستند؛ و نه تنها واجبند، که از «واجب‌ترین واجب‌ها» هستند. آن جا که ارشاد یک جامعه و نجات آنان از گمراهی کفر و شرک و بی‌دینی در گرو استفاده از زبان، قلم، فیلم و هر رسانه دیگری باشد واجب است انسان در صورت قدرت از همه آنها برای بیان حق و ابطال باطل استفاده کند.» در مجموع می‌توان گفت آنچه تأمین کننده مصالح جامعه باشد، گفتن و نوشتن واجب و لازم است، و آنچه مضر و مخرب مصالح عمومی جامعه باشد، ممنوع، و غیر این دو مباح و آزاد است.

معنوی بشر دارند بسیار بیشتر از نگرانی آنها در مورد مسایل بهداشتی بشر است. اگر برای حفظ بهداشت جامعه‌ای گاه لازم است میلیون و میلیاردها دلار ضرر را متحمل شد و چند میلیون رأس گاو را نابود کرد که نکند چند رأس آنها مبتلا به جنون گاوی باشند، چرا برای حفظ بهداشت معنوی و دین و ایمان مردم و جامعه نباید هزینه کرد؟ همان‌طور که با صرف احتمال وجود ویروس مادی، به حکم عقل می‌توان و باید وارد عمل شد و محدودیت و منع ایجاد کرد، با خطر ابتلا به عقاید فاسد نیز به حکم عقل می‌توان و باید مبارزه کرد. بر این اساس است که اسلام می‌گوید دولت حق دارد و بلکه بالاتر، وظیفه دارد جلوی ویروس عقاید فاسد را بگیرد و مانع انتشار و شیوع آن در جامعه شود. در اصل جواز ایجاد ممنوعیت و محدودیت به هنگام احتمال خطرهای بزرگ و حساس، بین ما و غرب اختلافی نیست؛ اختلاف در تشخیص و تعریف مصالح است. آنها مصالح را فقط مادی و دنیایی می‌دانند؛ به همین دلیل برای مبارزه با احتمال شیوع بیماری جنون گاوی میلیون‌ها رأس گاو را از بین می‌برند و خرید و فروش آنها را ممنوع می‌کنند و آن را مخالف آزادی تجارت نیز نمی‌دانند. ما که مصالح را اعم از مادی و معنوی، دنیایی و آخرتی می‌دانیم نظیر همین حساسیت و بالاتر را در مقابل خطرات معنوی و روحی فراروی جامعه داریم.»

اقسام بیان

توجه به این نکته ضروریست که در آزادی بیان مراد از بیان هر نوع انتقال پیامی مد نظر است چه از طریق گفتار باشد چه نوشتار چه فیلم سازی و انواع کارهای رسانه ای. امروزه توجه به این مطلب با گسترش ابزارهای ارتباطی اهمیت بیشتری دارد. آیت الله مصباح ضمن اشاره به انواع ابزارهای بیان می‌فرماید: «به روشنی معلوم است که روزنامه، مجله، کتاب، تئاتر، فیلم، کاریکاتور، رادیو، تلویزیون، اینترنت و... همگی در واقع «گونه‌های مختلف بیان» هستند و هر حکم حقوقی که بیان و گفتار داشته باشد

وقتی تشخیص داده شود يك دارو غير بهداشتی و مضر است فوراً خرید و فروش آن را ممنوع اعلام می‌کنند و سازنده آن را تحت تعقیب قرار می‌دهند و هیچ کس هم نمی‌گوید این خلاف حقوق بشر است و انسان‌ها آزادند هر چه می‌خواهند تولید کنند. تولید آزاد است مادامی که به دیگران ضرر نزند. آنچه در دنیا وجود دارد و به آن توجه دارند معمولاً همین ضررهایی است که به جسم و بدن انسان وارد می‌شود؛ اما اسلام علاوه بر ضرر جسمانی، آسیب روحی و معنوی را نیز مد نظر قرار می‌دهد و آزادی را تا جایی می‌داند که برای جسم یا روح انسان ضرر نداشته باشد.